

## دنیا در نهج البلاغه و مقایسه آن با مضامین قرآنی

محمد علی لسانی فشارکی<sup>1</sup>

نقیسه جلالیان<sup>2</sup>

### چکیده

مسئله دنیا و آخرت و رابطه آن دو، یکی از مهمترین موضوعات مطرح شده در آموزه‌های اسلامی، اعم از مضامین قرآنی و حدیثی است و از آغاز ظهور اسلام تاکنون دانشمندان اسلامی اعم از مفسران قرآن، محدثان، مبلغان و پژوهشگران، همواره به این موضوع پرداخته‌اند. بخش عمده‌ای از مجموعه گران قدر نهج البلاغه نیز به بیان همین آموزه‌ها اختصاص یافته است. در این مقاله، پژوهشگر در پی یافتن و نمایاندن خویشاوندی‌هایی است که در بیان امام علی (ع) با قرآن کریم، مشهود می‌باشد و به طور اجمال، مضامین موجود در نهج البلاغه در ارتباط با «دنیا» و «دنیا طلبی» دسته‌بندی و ارائه شده و مضامین مذکور با بیان قرآن کریم مورد مقایسه قرار گرفته است.

**کلید واژه‌ها:** دنیا پرستی، دنیا و آخرت، زهد حقیقی، رهبانیت، زینت دنیا، ترغیب و ترهیب.

[lessan117@yahoo.com](mailto:lessan117@yahoo.com)

1- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

2- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

[jalaliann@yahoo.com](mailto:jalaliann@yahoo.com)

تاریخ دریافت: 1387/11/3 - تاریخ پذیرش: 1388/4/20

### طرح مسأله

حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع) در نهج البلاغه، مطالب متنوع و عمیق و مبسوطی را درباره «دنیا» بیان فرموده است، به گونه‌ای که این مطالب ارزشمند با مضامین و نصوص نورانی قرآن انطباق کامل دارد. امام (ع) درباره اینکه دنیا خانه راستی، تندرستی، توشه اندوزی و پندآموزی است، سخن گفته است و دنیا را کشتزار آخرت و محل تدارک توشه و زاد اخروی معرفی می‌فرماید و نیز بیان می‌کند که دنیا خود محل پاداش نیکی‌ها، و در عین حال سرای ابتلا و امتحان و آزمایش انسان است. امام (ع) علاقه انسان به دنیا را فطری می‌داند، ولی بهره‌گیری از دنیا را بدون افراط و تفریط، بدون زهدگرایی منفی و رهبانیت و نیز بدون اسراف و تبذیر و منهای دنیازدگی و دنیا پرستی مورد سفارش قرار می‌دهد.

امام علی (ع) دنیا را نکوهش نمی‌کند و نکوهش کننده دنیا را توییح می‌نماید، ولی فریفته شدن به دنیا و دل بستگی و وابستگی به آن را نکوهش می‌کند و استفاده از نعمت‌ها و مواهب الهی در دنیا را بر اساس اصل اعتدال سفارش می‌نماید.

امام علی (ع) درباره «دنیا» خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «... و بدان که دنیا جاودانه نیست و آن‌گونه که خدا خواسته است برقرار می‌باشد. از عطا کردن نعمت‌ها، و انواع آزمایش‌ها، و پاداش دادن در معاد». (سید رضی، نامه 31) در توصیف و معرفی دنیا فرموده است: دنیا خانه راستی، تندرستی، توشه اندوزی و پندآموزی است: «قال (ع): ان الدنيا دار صدق لمن صدقها و دار عافية لمن فهم عنها و دار غنى لمن تزود منها و دار موعظة لمن اتعظ بها و مسجد احباء الله و مصلی ملائكة الله و مهبط وحی الله و متجر اولیاء الله اکتسبوا فیها الرحمة و ربحوا فیها الجنة...» (همانجا، حکمت 131)، یعنی: همانا دنیا سرای راستی است برای راستگویان و خانه تندرستی است برای دنیا شناسان، خانه بی‌نیازی است برای توشه‌گیران (آخرت) و خانه پند است برای پند آموزان. دنیا سجده گاه دوستان خدا، جایگاه نماز فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا و جایگاه تجارت دوستان خدا می‌باشد که در آن رحمت خدا را به دست آورند و بهشت را سود برند...

دنيا در نهج البلاغه و مقایسه آن با مضامین قرآنی ----- ۵۱

از بیان شیوای امام روشن است که «دنيا» اصالتاً محل دروغ گفتن و ناراستی و بستر غفلت و بی تفاوتی و مکان تبهکاری نیست و نهایتاً دنیا وسیله سقوط به جهنم و عذاب اخروی نمی باشد، بلکه اصولاً «دنيا» خانه صداقت، سلامت، پندآموزی و توشه اندوزی برای آخرت است، و دنیا محل کار و تلاش صادقانه و مثبت است برای ادامه حیات موقت دنیوی و کسب سعادت ابدی. اصل بر این است که انسان، دنیا و زندگی در آن را زمینه رسیدن به حیات طیبه اخروی قرار دهد و به بهشت وارد شود و اگر در دنیا به فساد و جنایت و خونریزی و ارتکاب گناه و تبهکاری بپردازد، به تبع این اجمال به جهنم می رود.

امام (ع) درباره کسانی که دنیا را نکوهش می کنند و آن را طرد می نمایند، فرموده است: «قال (ع): وقد سمع رجلاً یذم الدنیا: ایها الذام الدنیا المغتر بغرورها المخدوع بابا طیلها أتغتر بالدنیا ثم تذمها؟!» (همانجا)، یعنی: ای نکوهش کننده دنیا! که خود به غرور دنیا مغروری و با باطل های آن فریب خورده ای! خود فریفته دنیایی و آن را نکوهش می کنی؟! و در ادامه سخن می فرماید: آیا تو در دنیا مرتکب جرمی شده ای، یا دنیا نسبت به تو مرتکب جرم گردیده است؟! چه وقت دنیا تو را سرگردان کرد؟ و در چه زمانی تو را فریب داد؟ آیا با گورهای پدرانت که پوسیده اند یا آرامگاه مادرانت که در زیر خاک آرمیده اند؟...

امام (ع) در بیان فصیح و عمیق خویش نکوهش دنیا را مردود اعلام نموده و آن را عامل ارادی فریب برای انسان نمی داند، بلکه ارتکاب جرم و گناه را به عاشقان دنیا و فریفتگان زندگی التذادی حیوانی و دنیوی نسبت می دهد. و دنیای حرام و انسان های تبهکار را سزاوار نکوهش می داند و با این شرح، توییح کنندگان دنیا را نیز نکوهش می نماید.

#### الف- دنیا کشتزار آخرت و محل تدارک زاد و توشه است

♦ 1- «قال (ع): فتزودوا فی الدنیا من الدنیا ما تحرزون به انفسکم غدا فاتقی عبد ربه نصح نفسه و قدم توبته و ...» (همانجا، خطبه 64)، یعنی: از این خانه،

52-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388

زاد و توشه بردارید که فردای رستاخیز نگهبانتان باشد، بنده خدا باید از پروردگار خود بپرهیزد، خود را پند دهد و توبه را پیش فرستد. «قال (ع): الا و انکم قد امرتم بالظعن و دللتهم علی الزاد و ان اخوف ما اخاف علیکم اثنتان: اتباع الهوی و طول الامل. فتزودوا فی الدنیا من الدنیا ما تحرزون به انفسکم غدا.» (همانجا، خطبه 28)، یعنی: آگاه باشید! به کوچ کردن فرمان یافتید، و برای جمع آوری توشه آخرت راهنمایی شدید. همانا وحشتناکترین چیزی که بر شما می ترسم دو چیز است: هواپرستی، و آرزوهای دراز. پس از این دنیا توشه بگیرید تا فردا (روز رستاخیز) خود را با آن حفظ نمایید.

♦ 2 «قال (ع): عباد الله! الله الله فی اعز الانفس علیکم و احبها الیکم فان الله قد اوضح لکم سبیل الحق و اناطه طرقه فشقوة لازمه او سعادة دائمة فتزودوا فی ایام الفناء لایام البقاء قد دللتهم علی الزاد و امرتم بالظعن» (همانجا، خطبه 157)، یعنی: ای بندگان خدا! خدا را، خدا را، در حق نفس خویش! که از همه چیز نزد شما گرامی تر و دوست داشتنی تر است. همانا خدا راه حق را برای شما آشکار کرده و جاده های آن را روشن نگاه داشته است. پس یا شقاوت دامنگیر یا رستگاری جاویدان در انتظار شماست. در این دنیای نابود شدنی، برای حیات جاویدان آخرت توشه بگیرید، که شما را به زاد و توشه راهنمایی کردند و به کوچ کردن از دنیا فرمان دادند...

♦ 3 «قال (ع): اوصیکم، عباد الله بتقوی الله التی هی الزاد و بها المعاد زاد مبلغ و معاد منحج» (همانجا، خطبه 114)، یعنی: ای بندگان خدا شما را به تقوای الهی سفارش می کنم که زاد و توشه سفر قیامت است. تقوی توشه ای است که به منزل می رساند و پناهگاهی است که ایمن می گرداند... بر اساس فرمایشات امام (ع) دنیا محل جمع آوری توشه آخرت است و در حقیقت کشتزار حقیقی اعمال است. بنابراین اگر بخواهیم دنیا را معرفی کنیم، یکی از خصوصیات مهم دنیا این است که با ظرفیت ذاتی خود به بشر فرصت می دهد تا هم در این دنیا زندگی انسانی مطلوب داشته باشد و هم برای حیات طیبه و جاویدان اخروی، در این دنیا تدارک ببیند و با دست پر وارد

دنیا در نهج البلاغه و مقایسه آن با مضامین قرآنی -----۵۳

عرصه حیات آخرت شود و در حقیقت هم در بهشت برزخی مورد عنایت ویژه الهی قرار گیرد و هم در روز رستاخیز، اهل بهشت برین باشد و از همه بالاتر در مقام قرب الهی و در اوج سعادت و کمال محفوظ بماند که جز با توشه تقوی در دنیا به دست نمی آید. خداوند نیز درباره زاد و توشه اندوزی در دنیا برای آخرت فرموده است: «و تزودوا فان خیر الزاد التقوی». (البقره، 197)

### ب- دنیا محل پاداش نیکی هاست

«قال (ع): واعلموا عباد الله ان المتقين ذهبوا بعاجل الدنيا و آجل الاخرة فشاركوا اهل الدنيا فی دنیاهم و لم یشاركوا اهل الدنيا فی آخرتهم سكنوا الدنيا بافضل ماسكنت و اكلوها بافضل ما اكلت... اصابوا لذة زهد الدنيا فی دنیاهم و تیقنوا انهم جیران الله غدا فی آخرتهم لا ترد لهم دعوة و لا ینقص لهم نصیب لهم نصیب من لذه» (سید رضی، نامه 27)، یعنی: بدانید ای بندگان - خدا که پرهیزگاران، هم دنیای زود گذر را دارند و هم آخرت ماندگار، با اهل دنیا در دنیا شریک اند، ولی اهل دنیا در آخرت ایشان، با ایشان شریک نیستند. در دنیا به بهترین وجه زیستند و به بهترین وجه خوردند... و سپس با توشه کافی و تجارتي سود آور از دنیا رفتند. در دنیای خویش به لذت (زهد در) دنیا رسیدند و یقین کردند که فردا در آخرتشان همجوار خدا هستند، هیچ دعایی از دعاهای آنان رد نمی شود و از لذتشان (در آخرت) چیزی کم نمی گردد. در قرآن کریم خداوند سبحان در ارتباط با پاداش نیکی ها در دنیا فرموده است:

«و منهم من یقول ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الاخرة حسنة و قنا عذاب النار» (البقره، 202)

«فآتاهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخرة والله یحب المحسنین» (آل عمران، 148)

علامه طباطبایی در شرح این آیه می فرماید: دعا، خواستن به زبان حال است، نکته اینکه در دعای اهل آخرت حتی نسبت به امور دنیوی نیز «حسنة» ذکر شده است، زیرا اهل آخرت امور دنیوی و اخروی را دو دسته کرده، بعضی را «حسنة» و بعضی را

54-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388

«سیئه» می‌دانند و نظرشان تنها معطوف به امور حسنه است، خواه در «دنیا» باشد و خواه در «آخرت». (همو، 113/3)

شیخ طبرسی نیز می‌گوید: «ثواب عبارت است از سود سرشار خالصی که به همراه گرامیداشت، به فردی که در خور آن است داده می‌شود و در آیه «فاتاهم الله ثواب الدنيا...» خداوند به توحیدگرایان (به هنگام رویارویی با دشمن)، پاداش این جهان را که پیروزی و به دست آوردن حقوق پایمال شده خود و غنایم بسیار است و پاداش آن جهان که آمرزش و وارد کردن به بهشت است، ارزانی می‌دارد و ممکن است منظور از پاداش دنیا همان ثوابی باشد که در مقابل ادای تکلیف سزاوار آن می‌شوند». (همو، 546/3)

### ج- دنیا سرای ابتلا و آزمایش است

♦ 1- «قال (ع): دار بالبلای محفوفة، و بالغدر معروفة، لا تدوم احوالها و لا یسلم نزالها. احوال مختلفة، و تارات متصرفة، العیش فیها مذموم، و الامان فیہ معدوم و انما اهلها فیها اغراض مستهدفة، ترمیهم بسهامها، و تفنیهم بحمامها» (سید رضی، خطبه 226)، یعنی: دنیا خانه ای است پوشیده از بلاها، در حیل و نیرنگ شناخته شده، نه حالات آن پایدار و نه مردم آن از سلامت برخوردارند، دارای تحولات گوناگون و دوران‌های رنگارنگ، زندگی در آن نکوهیده و امنیت در آن نابود است. اهل دنیا همواره هدف تیرهای بلا هستند که با تیرهایش آن‌ها را می‌کوبد، و با مرگ آن‌ها را نابود می‌کند.

♦ 2- «قال (ع): الا ان الدنيا لا یسلم منها الا فیها (بازهد) ولا ینجی بشیء کان لها: ابتلی الناس بها فتنة، فما اخذوه منها لها اخرجوا منه و حوسبوا علیه، و ما اخذوه منها لغيرها قدموا علیه و اقاموا فیہ» (همانجا، خطبه 63)، یعنی: آگاه باشید! دنیا خانه‌ای است که کسی ایمنی ندارد، مگر در آن به جمع آوری توشه آخرت پردازد و از کارهای دنیایی کسی نجات نمی‌یابد. مردم به وسیله دنیا آزمایش می‌شوند. پس هر چیزی از دنیا برای

دنيا در نهج البلاغه و مقایسه آن با مضامین قرآنی ----- ۵۵

دنيا به دست آورند از کفشان بیرون رود و بر آن محاسبه خواهند شد و آنچه را در دنیا برای آخرت تهیه کردند، به آن خواهند رسید و با آن خواهند ماند. «قال (ع): و اعلم... و ان الدنيا لم تکن لتستقر الا على ما جعلها الله عليه من النعمة و الابتلاء و الجزاء فی المعاد...» (همانجا، نامه 31)، یعنی: بدان... به درستی که دنیا جز بر آن روال که خداوند قرارش داده است بر برخورداری و گرفتاری (یا آزمایش) و سزا دهی در معاد و یا آنچه که او خواسته است و تو نمی دانی، قرار نمی گیرد. امام (ع) در گفتارهای مذکور و مطالب مشابه آن در نهج البلاغه تصریح فرموده که دنیا سرای ابتلا و آزمایش است و راه های موفقیت در این آزمایش ها نیز بیان گردیده که مسلماً تقوی و شکیبائی و آخرت خواهی از نمونه های آن است.

♦ 3- «قال (ع): بعث الله رسله بما خصهم به من وحيه و جعلهم حجة له على خلقه لئلا تجب الحجة لهم تبرک الاعذار اليهم، فدعاهم بلسان الصدق الى سبيل الحق، الا ان الله تعالى قد كشف الخلق كشفه لانه جهل ما اخفوه من مصون اسرارهم و مکتون ضمائرهم ولكن ليلوهم ايهم احسن عملا فيكون الثواب جزاء و العقاب بواء» (همانجا، خطبه 144)، یعنی: خداوند پیامبران را برانگیخت و وحی را به آنان اختصاص داد و پیامبران را حجت خود بر بندگان قرار داد تا استدلالی یا جای عذری برای کسی باقی نماند. پس پیامبران انسان ها را با زبان راستگویی به راه حق فرا خواندند. آگاه باشید که خداوند از درون بندگان پرده بر می گیرد، نه آن که به اسرار پوشیده آنان آگاه نیست و بر آنچه در سینه ها نهفته دارند بی خیر است، بلکه خواست آنان را آزمایش کند تا کدام یک، اعمال نیکو انجام می دهد و پاداش برابر نیکوکاری و کیفر مکافات در خور بدی ها باشد. «قال (ع): انما اراد ان نبلوكم ايكم احسن عملا، فبادروا باعمالکم تکتونوا مع جيران الله فی داره رافق بهم رسله و ازارهم ملائکته» (همانجا، خطبه 183)، یعنی: خواسته است که شما را آزمایش کند که کدام یک از شما نیکوکارتر هستید. پس به اعمال نیکو مبادرت کنید تا با همسایگان خدا در سرای او باشید که هم نشینان آن ها پیامبران و زیارت کنندگان آن ها فرشتگان هستند.

56-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388

♦ 4- «قال (ع): ... اما بعد فان الله سبحانه قد جعل الدنيا لما بعدها و ابتلى فيها ليعلم ايهم احسن عملا و لسنا للدنيا خلقنا و لا بالسعى فيها امرنا، انا وضعنا فيها لنتلى بها» (همانجا، نامه 155)، یعنی: پس از یاد خدا و درود، همانا خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده، مردم را در دنیا به آزمایش گذاشت تا روشن شود کدامیک نیکو کارتر است، ما را برای دنیا نیافریده اند و تنها برای دنیا به تلاش فرمان داده نشدیم. به دنیا آمدیم تا در آن آزمایش شویم. پروردگار متعال در قرآن مجید درباره ابتلا و آزمایش دنیا چنین فرموده است:

«الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم ایکم احسن عملا». (الملک، 2)

«انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ایهم احسن عملا». (الکهف، 7)

در بیان و تفسیر آیه، علامه طباطبایی می‌فرماید: «منظور این است که خدای متعال شما را آفریده و مورد آزمایش قرار داده تا خوب شما از بدتان متمایز شود و تا کيفر و پاداش هر یک مشخص گردد». (همو، 12/29)

شیخ طبرسی نیز می‌گوید: «خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا بیازماید که کدامیک به انجام دستورات او کوشاتر و جدی تر، و بر دوری از نواهی دقیق‌ترید و بیازماید که کدامین شما نیکوتر و شایسته‌تر رفتار می‌کنید». (همو، 484/9)

همچنین نظر حویزی در این باره چنین است: «کدامین شما از نظر «خرد» و اندیشه، نیکوتر و در توحیدگرایی و یکتاپرستی باتقواترید و از نظر تعمق در فرمان‌ها و هشدارهای خدا و معارف و مفاهیم قرآن آگاه تر هستید، اگرچه عملکرد شما در بخش مستحبات کمتر باشد». (همو، 381/5)

#### د- رهاوردهای آزمایش و ابتلا در زندگی دنیا

بر اساس آیات قرآنی و روایات اسلامی، خداوند پیامبران و کسانی را که مورد لطف و عنایت ویژه او هستند، با سختی‌ها و بلاها در مسیر حق می‌آزماید تا درجه کمال و علو تمام آن‌ها در متن ابتلائات و امتحانات حاصل گردد و به پاداش و اجری که



دنيا در نهج البلاغه و مقایسه آن با مضامین قرآنی ----- ۵۷  
شایسته آنهاست برسند. در حقیقت سختی و بلا برای صالحان مبتلی، محبت و هدیه و نوازش پروردگار است که نصیب آنها می‌گردد.

امام باقر (ع) در این باره فرموده است: «ان الله يتعاهد المومن بالبلاء كما يتعاهد الرجل اهله بالهدية من الغيبة» (مجلسی، 56/15 و 231/67)، یعنی: خداوند بنده مؤمن را به وسیله فرستادن یک سختی و مشکل مورد نوازش قرار می‌دهد، آن طور که یک مرد وقتی که در مسافرت است با فرستادن یک هدیه خاندان خود را مورد محبت و نوازش قرار می‌دهد.

و امام صادق (ع) فرموده است: «ان الله اذا احب عبدا غته بالبلاء غتا» (کلینی، 376/3)، یعنی: خداوند چون بنده‌ای را دوست بدارد او را خوب در گرداب بلا فرو برد. بنابراین ارزش و قدر هر کس به اندازه شداید و بلاهایی است که در راه حق تحمل می‌کند و همچنین هر قدر مقام و منزلت شخص به خدا نزدیکتر باشد، سختی‌ها و شدائد او بیشتر است زیرا پاداش و اجر او به اندازه ابتلا اوست. چرا که امام صادق (ع) فرمود: «ان اشد الناس للبلاء الانبياء ثم الذين يلونهم ثم الامثل فالامثل» (مجلسی، 200/67)، یعنی: براستی سخت‌ترین مردم در بلا پیامبرانند و سپس به ترتیب مقام و منزلتی که نزد خدا دارند. و امام باقر (ع) فرمودند: «انما يتبلى المؤمن في الدنيا على قدر دينه (او قال) على حسب دينه» (محمدی ری شهری، 492 / 1)، یعنی: شخص مؤمن به اندازه دین و ایمانش به میدان امتحان و ابتلاء دچار می‌گردد.

و امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «ان البلاء للظالم ادب و للمؤمن امتحان و للانبياء درجة» (مجلسی، 237/67)، یعنی: همانا بلا برای ستمگر تنبیه، برای مؤمن آزمایش و برای پیامبران درجه ارتقاء می‌باشد.

وقتی آزمایش‌های الهی در دنیا نصیب انسان می‌گردد، ظرفیت او را افزایش می‌دهد، استعدادهای بالقوه او را به فعلیت در می‌آورد، او را از تنبلی و تن‌پروری و سستی به تلاش و جهاد و حتی ایثار وادار می‌دارد و در مسیر کمال به اوج شایستگی و لیاقت

58-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388

می‌رساند. این آزمایش، انسان را از شر نفس و خود بینی و خود خواهی رها ساخته و او را منشاء خیر و نیکی‌ها می‌سازد که تا انسان سختی نبیند، محرومیت نکشد و در تنگنای شداید و بلاها نسوزد، اولاً به حرکت در نمی‌آید و ثانیاً درد و محرومیت انسان‌های دیگر را حس نمی‌کند، که گفته‌اند:

احساس سوختن به تماشا نمی‌شود آتش بگیر تا ببینی چه می‌کشم!  
این است که غالباً پیامبران الهی از طبقه محروم و تلاشگر و ستم‌دیده جامعه هستند و ثالثاً افرادی در سختی‌ها رشد می‌کنند که در پایداری و استقامت در مسیر زندگی، دین و دنیا در درجه بسیار بالایی قرار دارند و اسوه بزرگ صبر و شکیبایی هستند که در قرآن کریم و روایات اسلامی بر صابر و صبار توصیف شده‌اند.

امام علی (ع) در این باره فرموده است: «الا و ان الشجرة البرية اصلد عودا و الروائع الخضرة أرق جلوداً و النباتات البدوية اقوی و قودا...» (سید رضی، نامه 45)، یعنی: چوب درخت‌های صحرائی و جنگلی که نوازش باغبان را ندیده است، محکم تر است اما درخت‌های سرسبز و شاداب که مرتب تحت رعایت باغبان و نوازش او می‌باشند، نازک تر و کم طاقتر از کار در می‌آیند. گیاهان صحرائی و وحشی نسبت به گل‌های خانگی، هم قدرت اشتعال و افروزش بیشتری دارند و هم آتششان دیرتر خاموش می‌شود و همچنین مردان زحمت کشیده و با مشکلات دست و پنجه نرم کرده نیز، توان و طاقتشان از افراد ناز پروده بیشتر است.

روش برخورد امام علی (ع) با دنیا

الف- علاقه به دنیا فطری انسان است

«قال (ع): الناس أبناء الدنيا و لا یلام الرجل علی حب امه» (همانجا، حکمت 303)،

یعنی: مردم فرزندان دنیا هستند و آدمی بر دوست داشتن مادرش، ملامت نمی‌شود. طبق این بیان زیبا، علاقه انسان به زندگی دنیا ذاتی و فطری است، یعنی انسان از نظر سرشت، دنیا دوست است زیرا در دنیا متولد می‌شود، در دنیا رشد می‌کند و به زندگی

دنيا در نهج البلاغه و مقایسه آن با مضامین قرآنی ----- ۵۹

دنیوی و معنوی خود ادامه می‌دهد و در آن زمینه تکامل مادی و معنوی را پیدا می‌کند. سپس از دنیا به آخرت ارتحال می‌یابد و توشه و زاد آخرت خود را از دنیا به دست می‌آورد و به هر صورت، انسان و بنی آدم که دارای دو بعد وجودی جسمانی و روحانی است، اعمال صالح خود را به سبب بعد جسمانی تحصیل می‌کند و عبادات خدا را به جا می‌آورد. نماز، روزه، حج، جهاد، پرداخت خمس و زکات و سایر عبادات را در این دنیا با بدن دنیایی و برای تزکیه نفس و ارتقاء روح خویش انجام می‌دهد، پس طبعاً به دنیا علاقه مند است و این علاقه و محبت دنیایی نیک و پسندیده است. ولی در مورد علاقه به دنیا آنچه ناپسند است، علاقه مفرط می‌باشد که منتهی به «دنيا پرستی» می‌شود و محبت به دنیا را مطلق می‌کند. همچنین رضایت دادن به زندگی دنیا و در صدد کمال اخروی و سعادت حقیقی نبودن، «ارضیتیم بالحیة الدنیا من الآخرة فما متاع الحیوة الدنیا فی الآخرة الا قلیل» (التوبه، 38) قانع بودن به زندگی التذادی حیوانی و در اندیشه رشد روح و جان نبودن و پرورش دادن بعد ملکی و رها کردن بعد ملکوتی وجود، همه این‌ها قابل نکوهش است. «زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطر المقتطرة من الذهب و الفضة و الخیل المسومه و الانعام و الحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا...» (آل عمران، 14) هر میل و علاقه، چشمه‌ای است از روح و جان انسان که فطری اوست و باز می‌شود و جاری می‌گردد.

اما منظور دین، بستن چشمه‌های محسوس مادی نیست، مقصود تلاش برای بازکردن و جاری ساختن چشمه‌های معنوی است. این است که امام علی (ع) نیز علاقه به زندگی در دنیا و ادامه حیات پاک و انسانی در مسیر کمال معنوی و رسیدن به سعادت اخروی را نفی نمی‌فرماید و از خداوند می‌خواهد که جسم و بدن سالم و با نشاط به او عنایت فرماید تا در خدمت دین در روی زمین تلاش کند: «قو علی خدمتک جوارحی» (قمی، دعای کمیل) و به همین جهت توییح کننده دنیا را نکوهش می‌کند و دنیا را عامل فریب او نمی‌داند بلکه نکوهش کننده دنیا را دلداده و شیدا و عاشق دنیا معرفی می‌کند و فریفته شدنش را نکوهش می‌نماید. (سیدرضی، حکمت 131)

60-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388  
خداوند مکان و مسکن اصلی آدم و بنی آدم را زمین قرار داده است و انسان طبعاً به  
خانه خود علاقه مند است. بویژه بنی آدم که زادگاه اصلیشان دنیا است، چنانکه  
خداوند فرموده است:

«و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة». (البقره، 30)

«وقلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم في الارض مستقر و متاع الى حين». (همانجا، 36)

### ب- دنیای مذموم و نکوهیده از منظر امام علی (ع)

آنچه مسلم است منطق امام در مورد نکوهش دنیا، هرگز متوجه جهان آفرینش  
نیست زیرا جهان بینی قرآن و عترت بر روی توحید در فاعلیت تکیه فراوان دارد  
که دنیا بخشی از آفرینش حکیمانه و عالمانه و هدفدار پروردگار علیم و حکیم است  
و نقصی در آن نیست و خلقت آدم و عالم عبث و بیهوده نبوده است و همه از  
نشانه‌های وجود خداوند است و از طرفی صرف «علاقه به دنیا و زندگی دنیا» نیز  
مذموم نیست.

پس عبارات «دنیای مذموم»، «دنیای مغرور و فریبنده» و «دنیا به مانند مار سمی است»

و مانند اینها... در کلام امام (ع) چه معنایی دارد؟

پاسخ آن است که چنانچه یاد آور شدیم امام (ع) هدف نهایی قرار دادن زندگی دنیا  
را مذموم و مردود می‌دانند. همچنین افراط و تفریط در نعمت‌های الهی و سوء استفاده  
و یا عدم استفاده از مواهب مادی و امور زندگی را نکوهیده می‌شمارند و دلبستگی  
شدید و وابستگی به لذات مادی و دنیوی، و غافل شدن از حیات معنوی و سعادت  
اخروی و قرب الهی را مذموم می‌شمارند که به بیانات نورانی آن حضرت در موارد  
زیر اشاره خواهیم کرد.

امام (ع) به پرهیز از دنیا پرستی سفارش فرموده است و ارزش حقیقی انسان را بهشت  
برین می‌شمارد: «الا حر يدع هذه اللماظة لاهلها؟ انه ليس لانفسكم ثمن الا الجنة فلا  
تبيعوها الا بها» (سیدرضی، حکمت 456)، یعنی: آیا آزاد مردی نیست که این لقمه

دنيا در نهج البلاغه و مقایسه آن با مضامین قرآنی ----- ۶۱  
جویده حرام دنیا را به اهلش وا گذارد؟ همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست،  
پس به کمتر از آن نفروشید!

و درباره دنیا پرستان غافل می فرماید: «اهل الدنيا کرکب یسار بهم و هم نیام!» (همانجا، حکمت 64)، یعنی: اهل دنیا سوارانی در خواب مانده اند که آنان را می رانند. همچنین امام (ع) روش برخورد با دنیا را ارائه فرموده و خطر دنیا پرستی و ره آورد شوم آن را گوشزد می کند: «یا ایها الناس، متاع الدنيا حطام موبئ فتجنبوا مرعاه! قلعتها اخطی من طمانینتها، و بلغتها ازکی من ثروتها. حکم علی مکثر منها بالفاقة و أعین من غنی عنها بالراحه...» (همانجا، حکمت 367)، یعنی: ای مردم! کالای دنیای حرام چون برگهای خشکیده وبا خیز است. پس از چراگاه آن دوری کنید، که دل کندن لذت بخش تر از اطمینان داشتن به آن است و به قدر ضرورت از دنیا برداشتن بهتر از جمع آوری سرمایه فراوان است...

آن کس که از دنیا زیاد برداشت، به فقر محکوم است و آن کس که خود را از آن بی نیاز انگاشت، در آسایش است و آن کس که زیور دنیا دیدگانش را خیره ساخت، دچار کوردلی می گردد. و آن کس که به دنیای حرام عشق ورزد، درونش پر از اندوه شد و غم و اندوهها در خانه دلش رقصان گشت، که از سویی سرگرمش سازند و از سوی دیگر رهایش نمایند، تا آنجا که گلویش را گرفته، در گوشه ای بمیرد...

«... و انما ينظر المؤمن الى الدنيا بعين الاعتبار و یقتات منها بطن الاضطرار، یسمع فیها باذن المقت و الابعاض، ان قبل أتری قیل أکدی! و ان فرح (فرج) له بالبقاء حزن له بالفناء! هذا و لم یأتهم یوم فیه ییلسون» (همانجا)، یعنی: اما مؤمن با چشم عبرت به دنیا می نگرد و از دنیا به اندازه ضرورت برمی دارد و سخن دنیا را از روی دشمنی می شنود، چراکه تا گویند سرمایه دار شد گویند تهیدست گردید! و تا در زندگی شاد می شوند، با فرا رسیدن مرگ غمگین می گردند و این اندوه چیزی نیست، که روز پریشانی و نومیدی هنوز نیامده است. خداوند متعال در آیات زیر به علت متصف شدن دنیا به «متاع الغرور: کالای فریب» و «لعبٌ و لهوٌ: بازی و سرگرمی» آن را

62-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388  
مذموم قلمداد فرموده و انسان را از فریفته شدن و فریب خوردن دنیا اینگونه هشدار  
می‌دهد و مطالب متین امام علی(ع) دربارهٔ دنیای مذموم با این مضامین نورانی الهی  
قابل انطباق است.

«و ما الحياة الدنيا الا متاع الغرور...». (الحديد، 20)

«و ما الحياة الدنيا الا لعب و لهو...». (الانعام، 22)

«فلا تغرنكم الحياة الدنيا...». (لقمان، 33)

### ج - تلخی دنیا، شیرینی آخرت

«قال (ع): مرارة الدنيا حلاوة الاخرة و حلاوة الدنيا مرارة الاخره» (سید رضی، حکمت  
251)، یعنی: تلخ کامی دنیا شیرینی آخرت است و شیرینی دنیای حرام، تلخی  
آخرت است.

«قال (ع): ان الدنيا و الاخرة عدوان متفاوتان و سبيلان مختلفان، فمن احب الدنيا و تولاهما  
ابغض الاخرة و عاداهما و هما بمنزلة المشرق و المغرب و ماش بينهما كلما قرب من واحد  
بعد من الاخر و هما بعد ضرتان!» (همانجا، حکمت 103)، یعنی: دنیای حرام و آخرت،  
دو دشمن متفاوت و دو راه جدا از یکدیگرند. پس کسی که دنیا پرست باشد و به آن  
عشق ورزد، به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد و آن دو همانند شرق و  
غرب از هم دورند و رونده به سوی آن دو هرگاه به یکی نزدیک شود، از دیگری  
دور می‌گردد و آن دو همواره به یکدیگر زیان رسانند.

### د - نکوهش از دنیا زدگی

«قال (ع) لا يترك الناس شيئاً من امر دينهم لاستصلاح دنياهم الا فتح الله عليهم ما هو  
اضرمته» (همانجا، حکمت 106)، یعنی: مردم برای اصلاح دنیا، چیزی از دین ترک  
نمی‌گویند جز آنکه خدا آنان را به چیز زیان بارتر دچار خواهد ساخت. یعنی وقتی

دنيا در نهج البلاغه و مقایسه آن با مضامین قرآنی -----۶۳  
مردم برای اصلاح دنیای خود و دفع زیان، دستورات دین خویش را ترک می‌کنند، خداوند آنها را گرفتار چیز زیان بارتر می‌کند.

«قال (ع): الیک عنی یا دنیا! فحبلک علی غاریک، قد انسللت من مخالیک و أفلت من حبالک و اجتنبت الذهاب فی مداحضک. این القرون (القوم) الذین عزرتهم بمداعیک (مداعیک) این الامم الذین فتنتهم بزخارفک - فما هم رهائن القبور و مضامین اللحد و الله لو کنت شخصاً مرثیاً و قالباً حسیاً لا قمت علیک حدود الله فی عباد عزرتهم بالایانی...» (همانجا، نامه 45)، یعنی: ای دنیا از من دور شو، افسارت را بر پشتت نهاده و از چنگال‌های تو رهایی یافتم، از دام‌های تو نجات یافته و از لغزشگاه‌هایت دوری گزیدم. کجایند بزرگانی که به بازیچه‌های خود فریبشان دادی. کجایند امت‌هایی که با زر و زیورت آن‌ها را فریفتی که اکنون در گورها گرفتارند و درون لحدها پنهان شده‌اند. ای دنیا به خدا سوگند، اگر شخصی دیدنی بودی و قالب حس کردنی داشتی، حدود خدا را بر تو جاری می‌کردم، به جهت بندگانی که آن‌ها را با آرزوهایت فریب دادی.

#### هـ - بهره‌گیری درست از امکانات دنیا

امام علی (ع) پس از جنگ بصره بر علاء بن زیاد الحارثی که از یاران ایشان بود، وارد شد. وقتی خانه بسیار مجلل و وسیع او را دید، فرمود: «ما کنت تصنع بسعة هذه الدار فی الدنيا و انت الیها فی الاخرة کنت احوج؟ و بلی ان شئت بلغت بها الاخرة: تقری فیها الضیف و تصل فیها الرحم، و تطلع منها الحقوق مطالعها، فادا أنت قد بلغت بها الاخرة» (همانجا، خطبه 309)، یعنی: با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی؟ درحالی که در آخرت به آن نیازمندتری؟ آری اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخرت بررسی! در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کنی و به خویشاوندان با نیکوکاری ببیوندی، و حقوقی که برگردن توست، به صاحبان حق برسانی، پس آنگاه تو با همین خانه وسیع، به آخرت نیز بررسی.

64-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388  
و خدای متعال در قرآن کریم در این باره فرموده است: «و لا تنس نصیبک من الدنیا»  
(القصص، 77)

### و- نفی رهبانیت و ترک دنیا

علاء بن زیاد به امام (ع) عرض کرد: «از برادرم عاصم بن زیاد به شما شکایت می‌کنم، امام فرمود: او را چه شده است؟ علاء گفت: عبایی پوشیده و از دنیا کناره گرفته است. امام (ع) فرمودند: او را بیاورید. وقتی عاصم بن زیاد آمد، امام (ع) به او فرمود: «یا عدی نفسه! لقد استهام بک الخبیث! اما رحمت اهلک و ولدک؟ اتری الله احل لک الطیبات و هویکرها ان تأخذها؟! انت اهون علی الله من ذلک» (سید رضی، خطبه 309)، یعنی: ای دشمنک خویش! در تیررس شیطان قرار گرفتی! آیا تو به زن و فرزندان رحیم نمی‌کنی؟! تو می‌پنداری که خداوند نعمت‌های پاکیزه‌اش را حلال کرده، اما دوست ندارد تو از آنها استفاده کنی؟ تو در برابر خدا کوچکتر از آن هستی که این گونه با تو رفتار کند. عاصم گفت: ای امیر مؤمنان! پس چرا شما با این لباس خشن و آن غذای ناگوار به سر می‌برید؟ امام (ع) فرمود: وای بر تو! من همانند تو نیستم. خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند.»

خداوند بزرگ نیز در نفی و نهی از رهبانیت در قرآن کریم فرموده است: «... و رهبانیه ابتدعوها ما کتبناها علیهم الا ابتغاء رضوان الله فمارعوها حق رعایتها...» (الحدید، 27)

### حقیقت زهد

«قال (ع): یا ایها الناس الزهاده قصرالامل و الشکر عند النعم و التورع عند المحارم» (سید رضی، خطبه 81)، یعنی: ای مردم! زهد یعنی کوتاه کردن آرزو و شکرگزاری در برابر نعمت‌ها و پرهیز در برابر محرّمات.



دنيا در نهج البلاغه و مقایسه آن با مضامین قرآنی ----- ۶۵  
«قال (ع): الزهد كله بين كلمتين من القرآن، قال الله سبحانه: (لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم) و من لم يأس على الماضي و لم يفرح بالآتي فقد اخذ الزهد بطرفيه»  
(همانجا، حکمت 439)، یعنی: زهد بین دو کلمه از قرآن است که خدای سبحان فرمود: بر آنچه از دست شما رفته حسرت نخورید و به آنچه به شما رسیده شادمان نباشید. کسی که بر گذشته افسوس نخورد و به آینده شادمان نباشد، همه جوانب زهد (زهد کامل) را رعایت کرده است. (مطهری، سیری در نهج البلاغه، 210)

### الف- زهد در قرآن

در قرآن کریم از دنیا به عنوان یک زندگانی فانی، که قابل نیست انسان آن را منتهای آرزو و آخرین مقصد قرار دهد، یاد شده است: «المال و البنون زينة الحياة الدنيا و الباقيات الصالحات خير عند ربك ثواباً و خيراً املاء». (الکهف، 46)

یعنی ثروت و فرزندان، رونق همین زندگانی دنیا هستند و اما اعمال صالحی که باقی می ماند، هم از لحاظ پاداش پروردگار و هم از لحاظ این که انسان به آن ها دل ببندد، بهتر است. قرآن با اینکه دنیا را به عنوان غایت آمال و منتهای آرزو برای بشر، قابل و لایق نمی داند، در عین حال نمی گوید که موجودات و مخلوقات از آسمان و زمین، دریا و صحرا، و حیوان و انسان باهمه نظاماتی که دارند و گردش ها و حرکت هایی که می کنند، غلط و باطل است بلکه برعکس، این نظام را نظام راستین و حق می داند. (مطهری، بیست گفتار، 161) و می فرماید: «و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لاعبین» یعنی: ما آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست را بقصد بازی نیافریده ایم. (الانبیاء، 16) قرآن کریم به موجودات و مخلوقات عالم از جماد و نبات و حیوان، سوگند یاد می کند: «و الشمس و ضحیها و القمر اذا تلیها» (الشمس، 1-2) «و التین و الزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین». (التین، 1-3)<sup>1</sup>

۱- این بخش از کتاب ارزشمند بیست گفتار استاد شهید مطهری اقتباس شده، که خود مستقلاً در حد یک پایان نامه قابل تحقیق است.

**ب- سفارش به زهد در نهج البلاغه**

امام علی (ع) در عین اینکه مسلمانان را به بهره‌گیری درست از نعمت‌ها و مواهب الهی در دنیا ترغیب می‌فرماید، که بحث آن به اختصار گذشت، اهل اسلام را به زهد اسلامی و تقوای الهی دعوت می‌نماید، چنان که فرموده است: «قال (ع): قطعوا علائق الدنيا و استنظروا ب زاد التقوی» (سید رضی، خطبه 204) یعنی: دل‌بستگی‌های خود را به دنیا، قطع کنید و از توشه تقوا کمک بگیرید.

«قال (ع): مثل الدنيا كمثل الحية لين مسها و السم الناقع فی جوفها يهوی اليها العز الجاهل و يحذرها ذو اللب العاقل» (همانجا، حکمت 119)، یعنی: دنیای حرام چون مار سمی است، پوست آن نرم ولی سم کشنده در درون دارد، نادان فریب خورده به آن می‌گراید و هوشمند عاقل از آن دوری می‌گزیند. با دیدگاه عمیق و وسیع امام علی (ع) درباره بهره‌گیری درست از دنیا و از طرفی پرهیز از دنیا پرستی، مشخص است زهدی که خود امام (ع) شدیداً آن را داراست و اهل اسلام و اهل ایمان را به داشتن آن سفارش می‌کند، رهبانیت و ترک دنیا به معنی منفی نیست، بلکه همانطور که خود ایشان در نهج البلاغه در موارد مختلف بیان فرموده‌اند، منظور از زهد، اجتناب از دنیا زدگی و دنیا پرستی و آخرت فروشی است. به ویژه در دوران خلفا، خصوصاً خلیفه سوم، تاریخ شاهد است که اسراف و تبذیر در بیت المال و سوء استفاده از اموال عمومی توسط برخی از اصحاب، امام را بر آن داشت که به طور مکرر و مؤکد، مسلمانان غافل و دنیا پرست را آگاه و بیدار کند که البته این سفارشات به زهد تا قیامت عمومیت دارد.

**نتایج مقاله**

بیانات و حیانی امام علی (ع) در نهج البلاغه درباره «دنیا» و مقایسه آن با مضامین آیات نورانی قرآن کریم که با یکدیگر خویشاوندی تنگاتنگ دارند، ما را به این نتیجه می‌رساند که:

دنيا در نهج البلاغه و مقایسه آن با مضامین قرآنی -----۶۷

آفرینش دنیا مبتنی بر اراده حکیمانه خداوند دانا و توانا است و بیهوده و باطل نبوده و دقیقاً هدفدار و حسابگرانه است. دنیا سرای راستی برای راست گویان و مسجد دوستان خدا و محل عبادت و تجارت اولیاء الهی و میدان تلاش و جهاد در راستای کسب سعادت دنیا و آخرت است.

دنيا كشتزار نيكو و مكان تدارك زاد و توشه لازم برای آخرت می باشد. به همین جهت دنیا محل ابتلا و امتحان، و بستر بروز و ظهور استعدادهای خفته خدادادی بشر است و خداوند هر کس را که بیشتر دوست دارد، در این دنیا بیشتر مبتلایش می کند تا وجودش ساخته و پرداخته و خدایی گردد و منشأ خیر و خوبی برای دیگران و سبب عزت و سعادت خویش شود، مانند پیامبران الهی و سپس پیروان آنها که در صف اول اهل ابتلا هستند.

بشر بر اساس سرشت خویش به دنیا که زادگاه اوست علاقه دارد و می تواند بر اساس این علاقه معقول از نعمت ها و موهبت های این دنیا طبق دستورات دقیق خالق آن، بهره مند گردد ولی نباید این علاقه تبدیل به عشق افراطی و دنیا پرستی شود.

انسان نباید فریفته زیبایی ها و لذت های دنیا شده و از هدف نهایی، کمال و کرامت انسانی و فرامین حیات بخش خداوند بزرگ غافل گردد و زندگی التذازی حیوانی را هدف اصلی خود قرار دهد که در این غفلت مهلک، دنیا قابل توبیخ نیست، بلکه انسان غافل و فریب خورده است که مورد نکوهش است. زیرا دنیا اراده فریفتگی ندارد، این انسان است که نسبت به زن و فرزند، ثروت و مقام، زیبایی ها و لذایذ و شهوات، دلبستگی و وابستگی شدید پیدا می کند و هویت و شخصیت و آدمیت خود را در راه این محبوب ها و معشوق های کاذب، قربانی و هلاک می سازد و معشوق و محبوب حقیقی را که آفریدگار دانا و توانا و مهربان است، فراموش می کند!

در مقابل این خط انحرافی، گروهی دیگر در دنیا برای رسیدن به قرب الهی و کمال معنوی، خود را از تمام نعمت ها و لذایذ مشروع دنیا محروم ساخته و رهبانیت و زهدگرایی افراطی را در پیش می گیرند و ترک دنیا می کنند، ولی باید بدانند «عاشقان دنیا» در انحرافند، «تارکان دنیا» نیز در باطل اند و زهد حقیقی و اسلامی به معنی ترک

68-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388

دنیا نیست، بلکه به معنی عدم وابستگی و دل بستگی به دنیا است. آنجا که امام علی (ع) به دنیا نهیب می زند که: «ای دنیا از من دور شو...» به معنی نفی دنیا پرستی است و آنجا که امام (ع) بطور جدی مسلمانان را به تقوا و زهد سفارش می کند، برای گرایش عده ای از مسلمانان به مال و مقام بوده است که این سفارش تا قیامت برای اهل ایمان تعمیم دارد، و باید دانست دنیا و آخرت هرگز با هم تعارض و تقابل ندارند، بلکه حیات اخروی در طول حیات دنیوی است و اگر دینداران واقعی از دستورات حقیقی دین الهی بطور صحیح پیروی کنند، هم به پاداش و سعادت و عزت دنیا می رسند و هم به سعادت ابدی و کمال نهایی و مقام قرب الهی در آخرت دست می یابند.

### کتابشناسی

- 1- قرآن کریم.
- 2- حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، 1385-1383 ه.ق.
- 3- دشتی، محمد، المعجم المفهرس نهج البلاغه، قم، مؤسسه انتشارات مشهور، 1380 ه.ش.
- 4- سید رضی، ابوالحسین محمد بن الحسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر مشرقین، 1379 ه.ش.
- 5- طباطبائی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیرالمیزان، تهران، انتشارات محمدی، 1408 ه.ق.
- 6- طبرسی، ابوالفضل، تفسیر مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، 1387 ه.ق.
- 7- عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس للالفاظ القرآن الکریم، بیروت.
- 8- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم، انتشارات آیین دانش، 1387 ه.ش.
- 9- کلینی، شیخ محمد، اصول کافی، تهران، انتشارات اسلامیه.
- 10- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، تهران، انتشارات صدرا، 1358 ه.ش.
- 11- همو، بیست گفتار، انتشارات افست، تهران، انتشارات افست، 1360 ه.ش.
- 12- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، 1362 ه.ش.
- 13- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ه.ق.